



## جهانی شدن و بحران مادری

دکتر حلیمه عنایت\*

مرضیه مردانی\*\*



جهانی شدن به عنوان پدیده‌ای فراگیر، حاصل تغییر و تحولاتی است که تمامی جوامع بشری و نهادهای آن را با چالش مواجه ساخته است. هیچ بعدی از ابعاد زندگی بشری نیست که به گونه‌ای درگیر این فرایند فراگیر نبوده و یا مصون از آن باقی مانده باشد. نهاد خانواده و نقش بی‌بدیل مادری نیز از این قائده مستثنا نیست و تغییر و تحولاتی را تجربه کرده است. این نوشتار با تاکید بر نظریه واترز در تلاش است تا به تأثیر جهانی شدن بر نقش مادری و به بحران کشیدن آن با شیوه اسنادی پردازد. براساس این نوشتار، امروزه در اثر فرایند جهانی شدن شاهد بحران‌های گوناگون در عرصه‌های گوناگون هستیم که یکی از بارزترین این بحران‌ها، بحران مادری است. جهانی شدن، برخی افکار و باورها را در حوزه جنسیت و نقش‌های جنسیت، اساس خانواده و موقعیت مادری دچار معضلات جدی کرده و آن را به مرز بحران رسانده است.

مقاله حاضر با نگاه نقادانه به روند جهانی شدن در حوزه مادری به بررسی سه بعد از ابعاد این روند (موقعیت ساختاری، بعد فرهنگی و سیاسی) و عناصر هر یک و ارتباط آنان بر تغییرات نقش مادری در جهان پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** جهانی شدن، مادری، خانواده، بحران مادری.

Email: henayat@rose.shirazu.ac.ir

\* عضو هیئت علمی (دانشیار) بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

Email: mardani.marzieh@yahoo.com

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز.

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۱



## مقدمه

جهانی‌شدن<sup>۱</sup> به عنوان پدیده‌ای فراگیر و تأثیرگذار، حاصل موجی عظیم از تغییرات و تحولاتی است که ساختارهای سنتی، بومی، ملی و هویتی تمام جوامع بشری را با چالش‌هایی مواجه ساخته است. این پدیده را می‌توان روندی انکارناپذیر و از ویژگی‌های جوامع بشری در آغاز هزارهٔ جدید به‌شمار آورد و ریشه‌های آن را از آغاز دوره سرمایه‌داری دانست. یویایی فرایند جهانی‌شدن و نرسیدن آن به تکامل نهایی موجب شده است تا هنوز اندیشمندان نتوانند تعریف واحدی از آن ارائه دهند، اما تأثیرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غیرقابل انکار آن بر جوامع مورد اجماع است. در این مقاله ما نیز به دنبال ارائه تعریفی از جهانی‌شدن نیستیم؛ اما با مرور تعاریف ارائه شده از جهانی‌شدن می‌توان برای آن ویژگی‌هایی از جمله؛ افزایش شمار پیوندها و روابط متقابل ملی، فراگیر شدن جوامع، کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی، برقراری ارتباط متقابل میان جوامع، کاهش نقش دولت‌ها در حاکمیت، افزایش سرعت ارتباطات و سرعت انتقال جمعیت و سرمایه، گسترش اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها، کاهش ارزش‌های سنتی، مصرف‌گرایی و تجارت الکترونیکی را برشمرد (عنایت و موحد، ۱۳۸۳، ۱۵۴). در مجموع جهانی‌شدن با محو مرزهای جغرافیایی و سیاسی و فرهنگی جهانی، شهروند

فصلنامه

علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

سال اول

پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



جهانی و اقتصاد جهانی را ترویج می‌کند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که جهانی شدن همواره برای مردم جهان بیم و امید به ارمغان آورده است. جهانی شدن دو رویه دارد؛ رویهٔ سیاه<sup>۱</sup> آن، تهدیدی است که مردم جهان با آن روبه‌رو هستند و رویهٔ سفید<sup>۲</sup> آن، فرصتهایی است که جهانی شدن برای مردم به ارمغان آورده است (طاهرخانی، ۱۳۸۳، ۱۰۱).

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که جهانی شدن، یک پدیدهٔ گستردهٔ جهانی است که بر زندگی تمامی مردم جهان اثراتی بر جای می‌گذارد؛ به‌علاوه این آثار می‌تواند بر زندگی مردم اعم از فقیر و غنی، سیاه و سفید، زن و مرد متفاوت باشد. اگرچه در جهانی شدن یک پارچه، تمایزی بین زن و مرد نیست، ولی به‌نظر می‌رسد زنان آثار پدیدهٔ جهانی شدن را با گستردگی و عمق بیشتری تجربه می‌کنند. زنان به‌عنوان اقشار محروم و منزوی، به دلیل دسترسی نداشتن به منابع و فرصت‌های مناسب، به‌گونه‌ای متفاوت از جهانی شدن تأثیر می‌پذیرند. یکی از تأثیرهای جهانی شدن بر زنان، تغییر در بنیان مفهومی به نام مادری<sup>۳</sup> است که شامل دو رویکرد تولید مثل و پرورش فرزندان است. نقش مادری و حتی نفس مادر شدن که از آغاز حیات انسان همواره امری مقدس بوده است که با فرایند جهانی شدن دست‌خوش آسیب‌هایی عمده شده است. در این فضا و همراه با فراهم شدن امکاناتی برای زنان در اثر جهانی شدن، زنان نقش‌های دیگری علاوه بر نقش‌های سنتی و تاریخی خود را بر عهده گرفته و فرصت‌های‌شان برای ایفای نقش مادری کمتر و حتی نگرش‌شان نسبت به این موضوع منفی شده است و در اصطلاح در ارتباط با نقش مادری دچار بحران شده‌اند.

1. Dark side.  
2. White side.  
3. Motherhood.

منظور از بحران به‌طور عام و در اصطلاح به معنای «زمانهٔ آزماییدن» یا «رخداد اضطراری» است؛ یک وضعیت خطرناک، ناپایدار، حساس و پیچیده است (سخایی، ۱۳۹۰، ۲۴۹-۲۴۸). بحران معانی متعددی دارد، اما در حوزهٔ مادری، بحران موجب بحران هویت جنسی می‌شود که در بحران زندگی مدرن نقش به‌سزایی دارد (کرسستین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸، ۷۵).

در این مقاله مقصود ما از بحران، حالت پیچیده و خطرناکی است که از کنترل خارج شده است. در شکل‌گیری بحران عوامل گوناگونی دخیل است که به‌سادگی قابل شناسایی و تحلیل نیست. چندخاستگاهی بودن<sup>۲</sup> بحران زنان، قابل تأمل است. به این معنا که این مسئله از ریشه‌ها و زمینه‌های متعددی برخاسته است و از منابع و مصادر بیرونی و درونی متنوعی تغذیه می‌شود. در این نوشتار به بحران زن از منظر جامعه‌شناختی می‌نگریم، از این‌رو مجموعه‌ای از عوامل خارجی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که برای او بحران‌سازی کرده‌اند و اوضاع را متشتت نموده‌اند و به‌طور اخص بر جهانی‌شدن و شاخصه‌های آن در ایران و غرب تمرکز می‌نماییم.

تأثیراتی که جهانی‌شدن بر نقش مادری و متزلزل شدن آن در خانواده داشته است، در اینجا می‌تواند آسیب‌های بسیاری بر زن، خانواده و اجتماع و جهان وارد نماید. برای نمونه از سال ۱۹۶۰ تاکنون در امریکا نرخ طلاق صد برابر شده است. نرخ ازدواج برای افراد بین ۱۵ تا ۴۴ سال، ۴۱ درصد کاهش داشته است. در سال ۱۹۶۰ زندگی مشترک بدون ازدواج شرعی، زندگی در گناه نامیده شد؛ اما امروز ۴۱ درصد از زنان امریکایی بین ۱۵ تا ۴۴ سال،



1. Kerstin, B.

2. Multiple origins.

به صورت نامشروع با همسرانشان زندگی می‌کنند. اداره سرشماری امریکا گزارش می‌دهد، تعداد خانواده‌های نامشروع بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ هزار درصد افزایش یافته است (کاسین، ۲۰۰۵، ۸). از این رو با توجه به این تحولات، ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر بیشتر احساس می‌شود. به علاوه هدف اصلی این بررسی، پاسخگویی به این پرسش است که در فرصت‌هایی که فرایند جهانی شدن برای زنان به وجود آورده، چگونه نقش مادری را با بحران و چالش مواجه ساخته است.

### تعریف مفاهیم

در این بخش به تعریف سه بعد برگزیده شده جهانی شدن، (موقعیت ساختاری، حوزه فرهنگی و حوزه سیاسی) و متغیرهای مربوط به هر یک می‌پردازیم.

۱. منظور از جهانی شدن و ساختار اجتماعی، دگرگونی‌هایی است که جامعه و مرزهای سنتی خانواده به دلیل کاربرد اینترنت، رشد فردگرایی، نابرابری‌های اجتماعی تجربه می‌کنند. در همین بعد به تأثیر جهانی شدن بر افزایش سن ازدواج، اشتغال زنان، افزایش طلاق، کنترل جمعیت، استقبال از زندگی مجردی، همجنس‌خواهی و تغییرات ساختاری در نهاد خانواده اشاره می‌شود (مقدس و خواجه‌نوری، ۱۳۸۴، ۱۰).

۲. منظور از حوزه فرهنگی، همگانی شدن فرهنگ (طاهرخانی، ۱۳۸۳، ۹۸) و دگرگونی در هویت افراد به‌ویژه هویت سنتی و دگرگون شدن شیوه‌های مصرف و سبک زندگی است (مقدس و خواجه‌نوری، ۱۳۸۴، ۱۳). در این بعد به بررسی متغیرهای تحصیلات زنان، افزایش مهدکودک‌ها، سقط جنین و فحشا می‌پردازیم.



۳. بعد سیاسی جهانی‌شدن، به برگزاری نشست‌های بین‌المللی و شکل‌گیری جنبش‌های حامی جریان‌های فکری جهانی و تمایل به سوی ایجاد دموکراسی اشاره دارد (طاهرخانی، ۹۷). در بخش سیاست جهانی به مبحث شکل‌گیری جنبش‌های زنان پرداخته می‌شود.

### چارچوب نظری پژوهش (نظریه واترز)

مفهومی که اندیشمندان برای تبیین دگرگونی‌های چشمگیر و فراگیر به‌وفور به‌کار می‌برند، جهانی‌شدن است؛ اصطلاحی که مبهم، پیچیده و مناقشه‌برانگیز است و به دلیل ویژگی‌های چندوجهی متنوع آن، به‌صورت‌های گوناگون در آرای نظریه‌پردازان متبلور می‌شود که هر یک مبین تأکید آنان بر ابعاد خاصی از این پدیده است.

دسته‌بندی گوناگونی درباره نظریه‌های جهانی‌شدن مطرح شده که یکی از مهم‌ترین این دسته‌بندی‌ها، دسته‌بندی است که بارت و مک‌کالم<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) ارائه داده‌اند و دسته‌بندی دو بخشی مک‌گرو را که بر نظریه‌های تک‌علیتی و چندعلیتی مبتنی است، گسترش داده و دسته‌ای مبتنی بر فرایندها بر آن افزوده‌اند. آنها سه گونه نظریه جهانی‌شدن را معرفی می‌کنند:

۱. نظریه‌های منطقی تک‌علیتی که در برگیرنده مجموعه‌ای از علت‌ها هستند که منطق علی جهانی‌شدن را در قلمرو نهادی ویژه، یعنی اقتصاد، فن‌آوری و سیاست به‌کار گرفته‌اند.

۲. نظریه‌های منطقی چندعلیتی که بر چند عامل تکیه می‌کنند، اما رابطه میان علت‌ها را در نظر نمی‌گیرند.



۳. نظریه فرایند تعاملی، که جهانی شدن را فرایندی می‌داند که از دگرگونی چند جانبه تشکیل شده است. در این بررسی به دلیل منطقی‌تر و کامل‌تر بودن، تنها به آن دسته از نظریه‌هایی پرداخته می‌شود که دیدگاه‌های فرایندی دارند. نظریه مورد تأکید این پژوهش، نظریه واترز<sup>۱</sup> است که خود از ترکیب نظریات گیدنز<sup>۲</sup> و رابرتسون<sup>۳</sup> پدید آمده است.

شمار بررسی‌هایی که به جهانی شدن و ساختار جامعه پرداخته‌اند از بررسی‌های دیگر کمتر است. در این بررسی‌ها عمدتاً به قطبی شدن اجتماعی<sup>۴</sup>، مهاجرت، دموکراتیزه شدن و ... توجه شده است. در همین بعد است که به تأثیر جهانی شدن بر سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، اشتغال و تأثیر آنها بر نظام ارزشی و نقش‌های جنسیتی اشاره می‌شود.

جهانی شدن با دگرگون‌سازی سامانه‌های ارزشی و نقش‌های جنسیتی بر وضعیت تأهل افراد و سن ازدواج تأثیر می‌گذارد. همچنین کاهش باروری به دلایلی همچون تغییر نقش‌های جنسیتی رخ می‌دهد. همه این موارد خود بر وضعیت مادری اثرگذار هستند که در جای خود به آنها پرداخته خواهد شد. همچنین آموزش یا دگرگونی نگرش‌های زنان، خود می‌تواند به افزایش سن ازدواج و کاهش باروری و در نتیجه فرصت بیشتر برای مشارکت زنان در اجتماع بیانجامد که خود در چهارچوب شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد. شبکه‌های اجتماعی در سطح میانه، سبب پیوند جهانی شدن در سطح کلان با هویت افراد و از جمله فاصله گرفتن از هویت و نقش مادری، می‌شود. جهانی شدن به سرمایه اجتماعی و نیز سرمایه فرهنگی و اقتصادی زنان

1. Waters, M.  
2. Giddens, A.  
3. Robertson.  
4. Social Polarization.

می‌انجامد که خود منجر به انحاء مختلف نقش مادری در خانواده را می‌شود (مقدس و خواجه نوری، ۱۳۸۴، ۱۲-۱۰).

همچنین در نظریه فرهنگ جهانی، جهان به سوی یکپارچگی فرهنگی حرکت می‌کند تا در فکر و عمل تنها یک مکان واحد در جهان شکل بگیرد، جامعه‌ای واحد که جستجوی ابزارهایی که به زندگی در این مکان معنا می‌دهد و چگونگی برقراری نظم را آموزش می‌دهد. نظریه فرهنگ جهانی، در حقیقت عنوانی خاص برای تفسیر جهانی شدن است که در آن جستجوی شیوه مناسب برای یک زندگی واحد جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد. فرهنگ جهانی، تبلور چهار مؤلفه اساسی برای انسان در بعد جهانی شدن است: جوامع (دولت/ملت)، نظام حاکم بر جوامع، افراد و نوع بشر (انسان).

چهار مؤلفه فوق بیانگر فرایندی است که به‌طور نسبی اجتماعی شدن، بین‌المللی شدن، فردگرایی و آگاهی عمومی نوع بشر را مورد توجه قرار می‌دهد (طاهرخانی، ۱۳۸۳، ۹۸). در تأیید این مطلب، مارک و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) بر این عقیده‌اند که جهانی شدن هنجارها و عقاید مشترکی را ایجاد می‌کند و افراد سعی می‌کنند این باورها و عقاید را جذب کنند. جهانی شدن از طریق کانال جامعه‌پذیری و با ابزارهای متعدد همانند رسانه و ... باورها و عقاید مورد نظر خود را درونی می‌سازد (مارک و همکاران، ۲۰۰۶، ۹)، بنابراین آنچه جوامع، به‌ویژه جوامع در حال توسعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، فرایند فرهنگ‌پذیری است. فرهنگ‌پذیری به‌طور خلاصه برآیند روبه‌روشدن دو فرهنگ مختلف و تماس گسترده و مستقیم آنها است (بیتس و



1. Mark, M. G & etal.



پلاگ<sup>۱</sup>، ۱۳۷۵، ۷۲۲). در این فرایند عوامل متعددی دخیل هستند که از آن بین سازمان‌های بین‌المللی که با هدف جهانی‌سازی فعالیت دارند، نیز سهم به‌سزایی دارند. این سازمان‌ها هنجارها و باورهای بین‌المللی و مشترک (که عمدتاً مروج ایدئولوژی‌های غرب‌گرایی هستند) را به‌گونه‌ای هدفمند آموزش می‌دهند (مارک و همکاران، ۲۰۰۶، ۹)، اما در چنین جهان یکپارچه‌ای تضادهای فرهنگی و به‌ویژه سنت‌های مذهبی موانع عمده تحقق فرهنگ جهانی‌اند. در نظریه فرهنگ جهانی، با حذف مرزهای محلی، منطقه‌ای، زنان جزئی از فرهنگ جهانی با ارزش‌ها و نگرش‌های یکپارچه محسوب می‌شوند (واترز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶، ۱۵۹). در فرایند جهانی‌شدن، برخی مفاهیم فرهنگی به مفاهیم جهانی تبدیل شده‌اند که از مرزهای یک کشور یا تمدن، به ملل یا تمدن‌های دیگر راه یافته و همگانی شده است. مفاهیمی چون حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودکان و نوگرایی امروزه به گفتمان‌های حاکم و بین‌المللی درآمده است. همچنین از آنجا که ابزارهای فن‌آوری نوین، همچون ماهواره و اینترنت به‌طور گسترده و عمده در اختیار غرب است، در کنار ارائه اطلاعات جدید و بعضاً سازنده، ایدئولوژی غرب‌گرایی را همراه با ارزش‌های آن در سطح جهانی، ارائه، تبلیغ و تشویق می‌کنند (دن تون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). هر زمان در بررسی‌های جهانی‌شدن دیده می‌شود که فرایند جهانی‌شدن در تشدید آگاهی زنان نسبت به جایگاه زنان مناطق دیگر جهان، ایجاد فرصت‌های مختلف برای برقراری تماس میان آنها، گسترش مباحث و گفتمان حقوق بشر، حقوق زنان و مانند آن و همچنین ایجاد زمینه‌های نو برای مشارکت



1. Bates and Plog.  
2. Waters, M.  
3. Denton, M. L.

آنان برای دگرگون‌سازی الگوهای نقش جنسیتی مؤثر بوده است. این تماس‌ها به دگرگون‌سازی ارزش‌ها و شیوه زندگی و ایفای نقش زنان و مادران می‌انجامد (مقدس و خواجه نوری، ۱۳۸۴، ۱۳).

تحولات اواسط قرن نوزدهم که به شکل‌گیری قواعد جدید نهادهای فرهنگی در سطوح جهانی انجامید و با مفهوم عقلانی‌شدن فرایند امور، به الگوی یکپارچه‌ای همچون نهادها و سازمان‌ها قوام بخشید، موجب شد مفاهیم جدیدی همراه با کارکردهای جدید مانند حق مشروعیت، حقوق زنان، و ... به وجود آید. عملکرد نهادها و سازمان‌ها در ابعاد جهانی موجب شد چارچوب مشترکی برای مباحث جهانی شکل گیرد. برگزاری نشست‌های بین‌المللی و جنبش‌های فکری حامی جریان‌های جهانی سبب شد تا مناسبات سیاسی جدیدی در جهان شکل گیرد. بعد از جنگ جهانی دوم چنین ساختاری کاملاً فراگیر شد، به طوری که بسیاری از دولت‌ها و افراد اقدام به تأسیس نهادهایی با اهداف مشترک کردند. به این ترتیب سازمان‌های جدید متأثر از جریان‌های فکری معاصر شکل گرفت. گروه‌های فمینیستی، جنبش‌های محیط زیست و سایر تشکیلات غیردولتی به حضور مقتدرانه یک سیاست واحد جهانی کمک کردند. در نظریه سیاست جهانی مباحثی همچون آزادی، عدالت، برابری و حقوق زنان مطرح شد تا جامعه جهانی به جامعه‌ای همگن تبدیل شود. چنین جامعه‌ای دارای مجموعه‌ای از قواعد و چارچوب مورد توافق در ابعاد جهانی است تا حرکت‌های پراکنده را به سوی جنبش‌های متحد و یکپارچه رهنمون سازد. در این معنا به نظر می‌رسد هویت ملی، ساختارها و رفتار زنان با سیاست‌های جهانی منطبق می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۸۳، ۱۲).

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول  
پیش‌شماره دوم  
زمستان ۱۳۹۱



در بررسی موضوع مادری، بازگویی برخی مسائل از اهمیت خاصی برخوردار است. زنان در زمان گذشته در سنین جوانی ازدواج می‌کردند و در بیشتر مواقع دختران به حدی جوان بودند که اولین عادت ماهانه خود را در خانه شوهر تجربه می‌کردند و پس از یک سال ازدواج اولین بچه خود را به دنیا می‌آوردند و به فاصله یک الی دو سال فرزند دوم و .... مادری و خانه‌داری کار تمام وقت زنان بود و این سرنوشت مشترک اکثریت زنان به حساب می‌آمد. ازدواج و مادری برای زنان طبیعی‌ترین امر شناخته شده بود و زنانی که به هر دلیل ازدواج نمی‌کردند و یا بچه‌دار نمی‌شدند، برجسیبی غیرطبیعی می‌خوردند. در زمان‌های گذشته همهٔ حوزه‌هایی که امروزه زنان در آنها از آزادی عمل برخوردارند (مانند انتخاب همسر، ازدواج یا مجردی، بارداری یا جلوگیری از حاملگی و ...) به هیچ وجه به اراده زنان بستگی نداشت، بلکه همگی یک پروسه طبیعی محسوب می‌شد؛ اما امروزه داستان تا حد زیادی تغییر کرده است. دختران امروزی با حق انتخاب‌های متفاوت و شیوه‌های زندگی متعددی که جهانی‌شدن و آثار آن در اختیار آنان قرار داده است، روبه‌رو هستند. به‌عنوان نمونه، یک زن می‌تواند تصمیم بگیرد مادر شود یا خیر. نمود مادر/ مادری بسیار متنوع و پیچیده شده است، به طوری که در مورد الگوهای مادری می‌توان به تقسیم‌بندی‌های مختلفی رسید، مانند: مادر بیولوژیکی، مادر پرورش‌دهنده، مادری که از بچه‌نگهداری می‌کند، شبه‌مادر، مادر خوانده، مادر رضاعی (صادقی فسایی، ۴-۳).

بنیان مادری امروزه به طرق گوناگون تحت تأثیر فرایند جهانی شدن و اجزای آن قرار دارد. مادران در فضای امروزی علاوه بر نقش‌های تاریخی و سنتی خود نقش‌های دیگری را بر عهده گرفته که از جهاتی فرصت‌هایشان برای ایفای نقش مادری کمتر می‌شود و حتی دید و نگرش آنان نسبت به این موضوع منفی و دست‌وپاگیر شده است. در جهان امروزی مادری به عنوان موقعیتی معرفی شده است که برابری کامل بین زن و مرد را به مخاطره انداخته و سبب ایجاد تهدیدات جسمانی، شغلی و اجتماعی برای زنان می‌شود. در مجموع باورهای مشترک جهانی مادری را چنان متزلزل نمود که کمترین بازخورد آن بحران هویت، افزایش بزهکاری و ... بود. تغییرات رخ داده در جهان غربی در اثر جهانی شدن به کل جوامع بشری سرایت نموده و تأثیرات جدی بر خانواده و به‌ویژه نقش مادری بر جای گذاشت. این روند در آینده‌ای نه چندان دور، بحران جهانی در حوزه خانواده و به‌ویژه مادری را در پی خواهد داشت. در عصری که پدیده‌های فرهنگی و ضد فرهنگی در اثر جهانی شدن، مرزهای جغرافیایی را در می‌نوردد، واژه مادری نیز در معرض «بحران» قرار می‌گیرد. فرایند جهانی شدن به واسطه ابزارهای فن‌آوری خود، شیوه‌های ایفای نقش مادری متفاوت و ایده‌های نویی را پیش روی زنان قرار داده است. همچنین این گزینش با موقعیت ساختاری موجود نیز در ارتباط است. این موقعیت می‌تواند محدوده گزینش آنها را تحت تأثیر قرار دهد و آن را متزلزل و دچار بحران نماید (سیاح و حسینی مجرد، ۱۳۹۰، ۲۱۳-۲۱۲).

انتقال بحران، یکی از روش‌هایی است که عاملان جهانی شدن با استفاده از آن سعی دارند نیروهای انسانی جوامع مختلف را تحت سیطره خود درآورند.

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول

پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



فکر و اندیشه ایشان را کنترل کنند و از منابع انسانی و مادّی آن جوامع بهره برند. از آنجا که روند جهانی‌شدن در حوزه فرهنگی به سوی همگانی‌شدن می‌رود. از این‌رو موج این بحران در حوزه زنان غربی و غیرمسلمان و خانواده و جامعه شهر و کشور ایشان نمی‌ماند و به کشورهای که دارای زنانی با اعتقادات دینی هستند نیز منتقل می‌شود (سخایی، ۱۳۹۰، ۲۶۹).

می‌توان گفت یکی از اهداف جهانی‌شدن، انتقال بحران به حوزه‌های مختلف و حتّی حوزه خانواده و مادری است. احتمالاً عاملان جهانی‌سازی در صورتی که اندیشه‌ها را به هم نزدیک کنند، بهتر می‌توانند سیاست‌های خود را تحقق بخشند. در واقع یکی از راهکارهای مؤثر برای پیاده‌سازی اهداف منفی عاملان جهانی‌سازی، انتقال بحران به حوزه مادری با استفاده از شاخصه‌های جهانی‌شدن است.

شرایط موجود در سطح جهانی و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌های نو و همچنین سازمان‌های محلی، ملی و فراملی که در گسترش و تعمق آنها فعال است، امروزه ایدئولوژی‌هایی را که بر سنت و عرف معمول در مورد زنان و نقش مادری آنها تکیه دارد را به چالش کشیده‌اند. زنان با به‌کارگیری ابزارهای مدرن که در راستای اهداف جهانی‌شدن و همگون‌سازی ملت‌ها است، (همچون ماهواره، اینترنت و ....) با شیوه‌های نو از ایفای نقش مادری که همراه با متزلزل کردن این نقش در خانواده است، آشنا می‌شوند و آنها را با شیوه‌های مرسوم که گاهی برتراند مقایسه می‌کنند. حضور زنان در عرصه‌های مختلف در همه جای دنیا، به‌ویژه در کشورهای صنعتی که محلّ انتقال افکار جهانی هستند، موجب شده تا سایر زنان در بازتعریف نقش‌هایشان در جامعه و خانواده از جمله نقش مادری،

درنگی دوباره کنند، که این خود پرسش‌هایی دوباره در ذهن آنان پدید آورده است. این عامل موجب می‌شود که نقش مادر امروزی درگیر در فرایند جهانی شدن را با مادران سنتی متفاوت می‌سازد، بر این اساس آنان در پی انکار نقش‌های پیشین مادری‌شان هستند (مقدس و خواجه نوری، ۱۳۸۴، ۱۶).

آنچه در دهه‌های گذشته ارزش مادری در غرب را به شدت کاهش داده و این تفکر را به سایر نقاط جهان نیز منتقل نموده است، آثار و عواقب استفاده از فناوری‌های جدیدی است که در دسترس زنان قرار دارد و حاصل جهانی شدن است؛ زیرا اکنون دیگر تعیین پیشاپیش جنسیت کودک و حتی تعیین میزان هوش، قیافه و تعیین ویژگی‌های شخصیتی کودک در درون رحم، جنبه‌های عینی و عملی یافته‌اند. پرورش نطفه در درون محفظه شیشه‌ای، خوردن چند قرص و اطمینان یافتن از عدم حاملگی، رفتن به محل نگهداری جنین و خریدن جنین هر گونه ارزش مادری را از بین برده و یا دست کم آن را کاهش داده است (تافلر، ۱۳۸۲، ۲۴۲). با ادامه این روند و تشدید شدن آن دیری نخواهد گذاشت که تمام مفاهیم قراردادی در مورد خانواده و مسئولیت‌های آن بیش از این به هم بریزند.

در سال ۱۹۵۳ سیمون دوبوار<sup>۱</sup> به این فکرمی‌کرد که چگونه می‌توان بدون وجود مردان بچه‌دار شد؟ امروزه با پیشرفت‌های حاصل از تکنولوژی، علم ژنتیک و قرار دادن اسپرم در رحم زنان و حتی در رحم‌های مصنوعی تولید نسل بدون مردان نیز کم و بیش میسر گشته و آرزوی سیمون دوبوار تحقق یافته است. چنانچه وی در کتاب جنس دوم خود می‌گوید: «شاید زمانی



1. Simone De Beauvoir.

همکاری مردان در تولید نسل غیر ضروری شود... و دست‌یابی به چنین چیزی اجابت آرزوی زنان خواهد بود (بوآر، ۱۹۵۳).

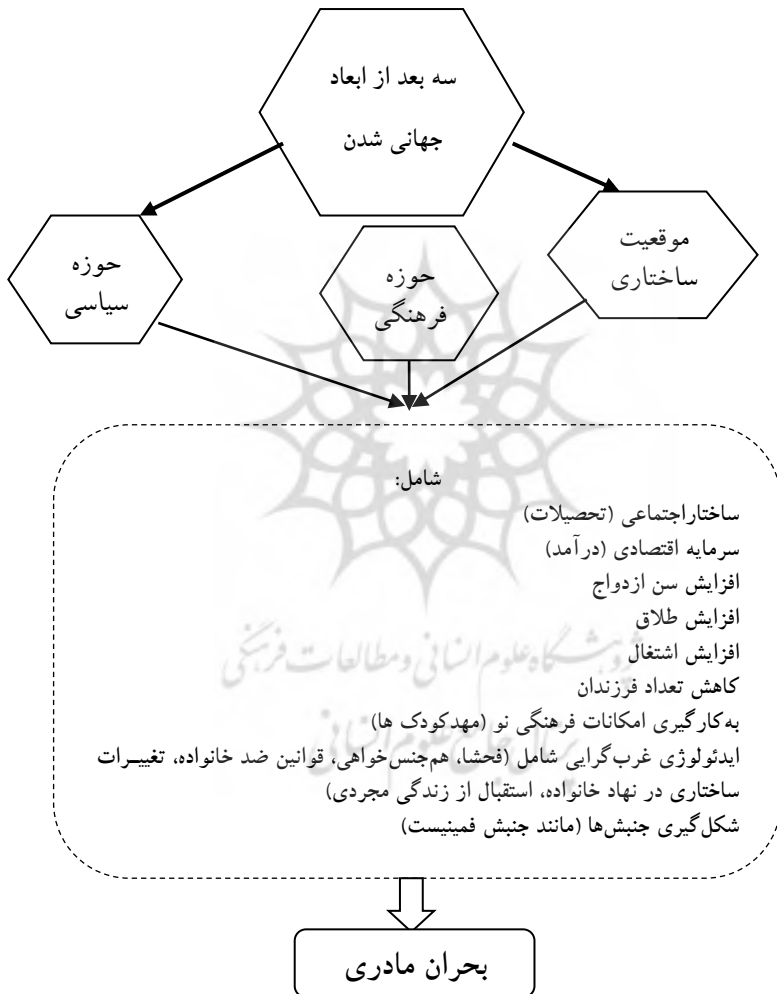
به راستی وقتی امکانات جهانی‌شدن بتواند این تفکر را به زنان القاء کند که می‌توان کودکان را درون ظروف آزمایشگاه پرورش داد، مفهوم «مادر شدن» چه تغییرات عظیمی خواهد کرد؟ زنان در صورتی که قرار باشد کودکان آزمایشگاهی بخرند و بزرگ نمایند، از هاله افتخار و ستایشی که گرداگرد زن آبستن و مادر را فرامی‌گیرد، - در هنر و ادبیات شرق و غرب نیز به‌وفور دیده می‌شود - بی‌بهره خواهند شد.

هایمن ویتزن<sup>۱</sup>، روان‌پزشک معروف امریکایی نیز می‌گوید: اگر کودکی که در شکم زن است مال او نباشد، بلکه از یک تخمک برتر و از یک زن دیگر و یا حتی از یک ظرف کوچک مخصوص جنین، به رحم او القاء شده باشد، کیش و ستایش مادری چه می‌شود؟ نه تنها مفهوم «مادری»، بلکه مفهوم «پدیری» هم مورد تجدید نظر اساسی قرار گرفته‌است؛ زیرا وقتی زنی در درون رحم خود جنینی را می‌پروراند که در رحم زن دیگری بارور شده باشد، در این میان، کدام‌یک از این دو مادر محسوب می‌شوند و پدر آنها چه کسی است؟ (تافلر، ۱۳۸۲، ۲۴۲).

در بررسی عوامل جهانی مؤثر بر موقعیت و نقش مادری و با در نظر گرفتن چارچوب نظری پژوهش و سه بعد از ابعاد جهانی شدن (سیاست، فرهنگ و از لحاظ ساختاری که در نمودار (۱) به نمایش گذاشته شده است) تنها بر روی چند متغیر متمرکز می‌شویم که عبارتند از: تحصیلات زنان، افزایش سن ازدواج، اشتغال زنان، افزایش طلاق، کنترل جمعیت، سقط جنین، فحشا،

1. Heyman Weitzen.

استقبال از زندگی مجردی، همجنس‌خواهی، قوانین ضد خانواده، تغییرات ساختاری در نهاد خانواده، افزایش مهدکودک‌ها و شکل‌گیری جنبش‌هایی همانند جنبش فمینیست که در ذیل به‌طور جداگانه به هر یک می‌پردازیم.





## ۱. تحصیلات زنان

تحصیلات زنان طی دو دهه گذشته پیشرفت چشمگیری داشته است. در اوایل دهه ۱۹۷۰ شکافی که بین تعداد زنان تحصیل کرده و مردان تحصیل کرده وجود داشت از بین رفت و در مواردی زنان نسبت به مردان پیشرفت‌هایی داشته‌اند. همچنین احتمال اینکه زنان بعد از دوران دبیرستان وارد دانشگاه شوند در مقایسه با مردان بیشتر شده است (ریچارد و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵، ۱). ارتقاء سطح و تنوع تحصیلات زنان آثار و تبعات متعددی بر نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، الگوی توزیع نقش‌ها و نیز ساختارهای اجتماعی همچون خانواده؛ روابط زناشویی باقی گذارده است. تحصیلات قطعاً تغییراتی جدی را در خانواده در پی داشته است و باید مورد توجه برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران قرار گیرد تا ظرفیت جدید را در جهت بهبود خانواده از جهت تربیت نسل هدایت کنند، زیرا به نظر می‌رسد زنانی که تحصیلات بالاتری نسبت به همسران خود دارند و به تبع از درآمد و منزلت اجتماعی بالاتری نیز برخوردارند، پذیرش جایگاه و نقش‌های سنتی زنانگی و به‌ویژه مادری با مشکلات فراوانی روبه‌رو است. تحصیلات، مجرای برای تغییر نگرشی و ارزشی هر دو جنس است. در هر صورت ارتقای تحصیلات زنان که انتظار می‌رود تأثیر مثبتی در رشد و استحکام خانواده داشته باشد، به دلیل عدم هماهنگی دیگر عوامل، از جمله تحصیل مردان، می‌تواند به‌طور کلی تهدیدی علیه خانواده و به‌طور اخص ایفای نقش مادری تبدیل شود (رستگار خالد، ۱۳۸۳، ۹).



## ۲. افزایش سن ازدواج

کودک شمردن جوانان تا سن ۱۸ سالگی و فراغت آنان از هرگونه مسئولیت اخلاقی، اجتماعی (مفاد کنوانسیون حقوق کودک) و فاصله میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی، به طولانی شدن دوره نوجوانی و افزایش سن ازدواج منجر شده است. افزایش سن ازدواج از جمله عواملی است که تأثیری مستقیم بر امر مادری دارد؛ زیرا اولاً فرصت مادری را از حیث زمان کاهش می‌دهد، ثانیاً مادران در سنین بالاتر در ایفای نقش مادری با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند.

## ۳. اشتغال زنان

اشتغال زنان نیز از آثار جهانی شدن است. بررسی اثرات مثبت و منفی این روند، بر کیفیت روابط خانوادگی و ایفای نقش مادری، نیازمند پژوهش‌های اجتماعی دقیقی است. علاوه بر تأثیرات مثبت و سازنده در بسیاری از مواقع، به جای اینکه اشتغال زنان در خدمت نهاد خانواده قرار گیرد، به تعارض و تقابل با آن می‌پردازد و گاهی از موارد موجب زوال نهاد مقدس خانواده و مانعی مهم بر سر راه ایفای نقش مادری زنان می‌شود. رسوخ الگوهای غلط و تبلیغات سوء جهانی شدن، نظیر: کم ارزش دانستن نقش مادری و همسری، مصلحت‌گرایی فردی و استقلال طلبی، تمایل زنان به نقش‌های مردانه و ... در این بین نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند، به طوری که می‌توان گفت فرایند جهانی شدن موجب مهاجرت زنان جویای کار شده است که این مهاجرت



به‌شدت بنیان خانواده را سست می‌کند. خروج مادر از کشور برای یافتن شرایط بهتر کاری بر ایفای نقش مادری تأثیراتی دارد؛ مانند اینکه بچه‌ها مجبورند بدون حضور مادرشان بزرگ شوند؛ مادران نیز نه رشد کودکان را می‌بینند و نه در تربیت آنان نقش دارند. در این جریان خانواده‌ها می‌پذیرند از بین امنیت مالی و با هم بودن، اولی را بپذیرند. مادران شاغل موجب شده‌اند تا فرزندان بیشتری مورد بی‌توجهی قرار گیرند (شیرودی، ۱۳۸۴، ۷۷ و میتر و کلوگ، بی‌تا، ۴).

#### ۴. افزایش طلاق

رسانه‌های فراملی - که از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان، کارگزاران اصلی جهانی‌شدن به حساب می‌آیند - عامل اصلی ارائه فرهنگ جهانی و نسبی‌گرایی فرهنگی محسوب می‌شود. فرهنگی که در آن ماده‌گرایی، مصرف‌گرایی، صنعت سکس و خشونت افراطی عرضه می‌شود که به اعتقاد برخی نظریه‌پردازان، ارزش‌ها و ثبات و ارکان خانواده در شکل سنتی آن و مقوله ازدواج رسمی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. این نظریه‌پردازان آمار بسیار بالایی طلاق را در بسیاری از کشورها که مراحل زیادی از جهانی‌شدن را طی کرده‌اند، شواهدی بر مدعای خود می‌دانند (راندل، ۱۳۸۱، ۱۰۶-۱۰۳). مقایسه آمار طلاق در نیمه دهه ۱۹۵۰ تا نیمه دهه ۱۹۷۰، حاکی از افزایش ۴۰۰ درصدی نرخ طلاق در کشور امریکا است. در دهه ۱۹۸۰ به‌خاطر هم‌زیستی مشترک بین زن و مرد بدون ازدواج، آمار ازدواج به‌شدت کاهش یافت و حدود یک سوم از ازدواج‌ها به طلاق انجامید (سیاح و حسینی مجرد، ۱۳۹۰، ۲۲۵).



تبعات قطعی طلاق، چیزی جز تزلزل در کارکرد خانواده، نابسامانی در وضعیت کودکان و تربیت آنان و بالاخره تشدید ناهنجاری‌ها در جامعه نیست.

## ۵. کنترل جمعیت

نرخ باروری در کشورهای اتحادیه اروپا بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ به حدود نصف کاهش یافته است. این کاهش در کشورهای مانند ایتالیا و اسپانیا که کلیسای کاتولیک در آنها بیشترین پیروان را دارند و بر اساس احکام آن استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری ممنوع است نیز مشاهده می‌شود. چنانکه نرخ باروری در اسپانیا از ۲/۸۸ به ۱/۲۴ و در ایتالیا از ۲/۴۲ به ۱/۲۳ تقلیل یافته است (شورای اروپا، ۲۰۰۱). ضروری است میزان کاهش باروری به صورت مدبرانه‌ای و با نگاه دراز مدت به نحوی کنترل و هدایت شود که گرایش فرهنگ عمومی جامعه به سمت پرهیز از ازدواج و پرهیز از فرزندپروری سوق پیدا نکند، تا در نتیجه چنین امکانات نوینی که جهانی‌شدن در اختیار زنان قرار می‌دهد، شاهد پدیده پیری جمعیت، رشد جمعیت مجردین، جمعیت زوجین بدون فرزند و رشد بی‌رویه زنان خودسرپرست و مجرد باشیم.

## ۶. سقط جنین

از جمله برخی از پیام‌هایی که جهانی‌شدن منتشر می‌کند این است که آزادی سقط جنین را لازمه برخورداری از آزادی جنسی دانسته است؛

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول

پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



از این رو برخی از سیاستمداران هم به این مسئله به عنوان مسئله‌ای سیاسی، نه به عنوان مسئله اخلاقی مرتبط با زندگی نوزادان و یا تجربه مادری برخورد کرده‌اند. طرفداران سقط جنین معتقدند که محتوای بارداری توده‌ای از بافت‌های بدون احساس است، نه یک انسان کامل. کودک درون رحم فقط جسمی غیرعادی است که نتیجه فعالیت جنسی مادر است. دادگاه عالی نیز آزادی سقط جنین را بر همین اساس تصویب کرد که جنین داخل رحم هنوز شرایط انسان بودن را ندارد و حقوق بشر شامل او نمی‌شود. امروزه کلینیک‌های سقط جنین، بی‌رحمانه حیات را از جنین سلب می‌کنند و بدن او را درون دستگاه خرد می‌کنند (یزدی، ۱۲۰). هویت زدایی از زنان، از طریق بی‌قیدی جنسی، با تسلیم شدن آنان در برابر افکار منتشر شده جهانی در مورد سقط جنین وخیم‌تر شده است. جهانی‌شدن با ابزارهای متعدد و موجه جلوه دادن سقط جنین از جنین عملی قبیح‌زدایی کرده است و آن را در دسترس قراردادده‌است. گاردنر نیز بر این باور است که طبق قوانین کانادا، دختر برای سوراخ کردن گوش خود به اجازه والدین نیاز دارد، اما می‌تواند بدون آگاهی آنها سقط جنین کند (گاردنر، ۱۳۸۶، ۲۸۱). در ۲۲ کشور سرمایه‌داری غربی سالانه حدود ۶ میلیون و در سراسر جهان حدود ۷۰ میلیون سقط جنین صورت می‌گیرد (سیاح و حسینی مجرد، ۱۳۹۰، ۲۲۶).

## ۷. فحشا

تأثیر منفی جهانی‌شدن را در برخی دیگر از مسائل مربوط به زنان، همچون قاچاق زنان، می‌توان دید. تحلیلگران معتقدند حجم عظیم قاچاق زنان که به صورت یک موج از ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی شدت گرفت. شباهت زیادی با خرید و فروش انسان‌ها در عصر بردگی دارد. از همین رو، قاچاق زنان را بردگی معاصر یا شکل جدید بردگی می‌دانند و قاچاق زنان و دختران، معمول‌ترین نوع قاچاق انسان است که به دلیل سود سرشار، به صورت یک فاجعه جهانی درآمده است؛ از این رو هیچ نقطه‌ای از جهان را نمی‌توان یافت که به نوعی از این پدیده و پیامدهای شوم آن در امان مانده باشد. قاچاق زنان یک معضل جهانی است و هر چند طی قرون و دهه‌های گذشته وجود داشته، اما تنها از ابتدای ۱۹۹۰ چنین ابعاد گسترده و جهانی پیدا کرده است. پیامدهای فردی قاچاق عبارتند از: بهره‌کشی گوناگون جسمی و جنسی، برداشتن اندام، سردرگمی و فلاکت زنان و مادران در کشورهای دیگر، آینده مبهم، ابتلاء به انواع بیماری‌های جنسی و... (شورمن، ۱۳۸۲). آمارهای موجود نشان می‌دهد که هر ساله بین ۷۰۰ هزار تا ۲ میلیون زن و کودک، در سراسر جهان مورد قاچاق قرار می‌گیرند که حدود ۵۰۰ هزار نفر آنان در اتحادیه اروپا است (سیاح و حسینی مجرد، ۱۳۹۰، ۲۲۷). با توجه به این روند به نظر می‌رسد صنعت سکس در آینده نهاد خانواده و به‌ویژه نقش خطیر مادری را با چالش‌های جدی‌تری روبه‌رو نماید.

## ۸. استقبال از زندگی مجردی

طبق آمارهای جهانی ما شاهد نوعی افزایش انفجارآمیز تعداد افراد مجرد هستیم، به عنوان نمونه بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۸، عدد افراد ۱۴ تا ۳۴ ساله‌ای که تنها زندگی می‌کردند در ایالات متحده تقریباً ۳ برابر شد؛ یعنی از ۱/۵ میلیون به ۳/۴ میلیون افزایش یافت. امروزه یک پنجم تمامی خانوارها در ایالات متحده از افرادی تشکیل می‌شود که به تنهایی زندگی می‌کنند (تافلر، ۱۳۸۲، ۲۹۴).

## ۹. هم‌جنس‌خواهی

جهانی‌شدن با تبلیغات سوء و با اذعان به قوی‌تر بودن زنان در مسائل جنسی به دنبال ایجاد نظم نوینی برای مطیع کردن مردان است. جهانی‌شدن از هر دستاویز تبلیغاتی، سیاسی، آموزشی، تجاری، قانونی و ... جهت نیل به اهداف خود تلاش کرده و بر آن تأکید دارد. رویکرد اخلاق هم‌جنس‌گرایی زنانه با تأکید بر «انتخاب» به جای «وظیفه»، پیشنهاد می‌کند که به جای سؤال سنتی و اخلاقی که «آیا این عمل در تکاپوی آزادی و خودخواهی به من کمک می‌کند یا نه؟». این رهیافت از افراطی‌ترین نظر و عقیده‌ها در افکار منتشر شده از عاملان جهانی‌شدن است و بر این باور است که مردان باید به‌طور کامل از صحنه زندگی زنان محو شوند و به دنبال خودگرایی و لذت‌جویی است. دستۀ همجنس‌بازان صراحتاً اعلام کرده‌اند که زنان باید همجنس‌باز باشند و نیازی به مردان نیست (یزدی، ۱۵۴). در مجموع هر رابطه‌ای میان زن و مرد خارج از قوانین ازدواج، مفسده‌هایی علیه سلامت

جامعه و رفتاری ضد خانواده در پی خواهد داشت. همجنس‌گرایی نیز به عنوان یکی از پیامدهای سوء شعارهای جهانی شدن به بنیان ازدواج و خانواده و تجربه مادری و تربیت نسل‌های آتی آسیب جدی می‌رساند. رواج چنین تفکراتی از سوی سازمان‌های جهانی زنان را متقاعد می‌سازد که هیچ الزامی نباید آنان را برای انتخاب مادری و همسری مجبور کند (اشتری، ۱۳۸۵، ۲۳۲).

#### ۱۰. قوانین ضد خانواده

در تمام دموکراسی‌های لیبرال، به میزان قدرت دولت و به میزان تغییراتی که در قوانین به نفع حقوق فردی انتزاعی (در برابر حقوق و امتیازهای نهادهای اجتماعی همچون خانواده) صورت می‌گیرد، قانون سرانجام به عاملی برای فروپاشی اجتماعی تبدیل می‌شود. قوانین ضد خانواده، در جوامع غربی بسیارند. نمونه‌هایی که در پی می‌آیند، نشان می‌دهند که چگونه جامعه‌ای که اهمیت خانواده را فراموش کرده است، خیلی زود ابزارهایی را پدید می‌آورد تا با آنها خانواده را نابود کند.

الف) محل سکونت اصلی: مطمئناً بزرگ‌ترین دارایی بدون مالیات در زندگی اغلب زوج‌های کانادایی، معافیت مالیاتی محل سکونت اصلی آنها است. یک زوج ازدواج کرده فقط در مورد یک محل اقامت می‌توانند از این معافیت بهره‌مند شوند؛ اما اگر این زوج ازدواج نکرده باشند، می‌توانند در دو مورد (دو محل اقامت) از این معافیت بهره ببرند. در چند دهه گذشته، این موضوع به معنای پاداش گران‌قیمتی برای عدم ازدواج بوده است.

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول

پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱





ب) تسهیم درآمد: طبق قانون مالیات بر درآمد در کانادا، زوج‌های ازدواج کرده نمی‌توانند به‌منظور پایین آوردن درآمدهای یکی از زوجین (جهت کاهش مالیات) درآمد را میان خود تقسیم کنند؛ اما مدتهاست که به زوجین ازدواج نکرده اجازه داده شده تا درآمدهای خود را به‌طور جداگانه گزارش کنند و این در واقع همان اثر تسهیم درآمد را دارد.

ج) طرح پس‌انداز بازنشستگی: از ۱۲ ژوئن ۱۹۹۰ پس‌انداز بازنشستگی معاف از مالیات که پیش‌تر به زوج‌های ازدواج کرده تعلق می‌گرفت، ولی به زوج‌های ازدواج نکرده‌ای که دارای فرزند مشترک باشند نیز اعطاء شده است (سیاح و حسینی مجرد، ۱۳۹۰، ۲۲۷-۲۲۶).

#### ۱۱. تغییرات ساختاری در نهاد خانواده

مطالعه خانواده و تغییر سیستم و ساختار آن مدت زمان بسیاری است که مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعات به این نکته توجه می‌شود که خانواده سنتی با تمامی نتایج مثبت و همچنین خانواده گسترده مورد بازبینی قرار می‌گیرند و تغییر می‌کنند. در اثر جهانی شدن بسیاری از زنان به سیستم کاری ملحق شدند و انتظارات آنان و نقش‌های سنتی ازدواج، که گاهی نسبت به برخی نقش‌های مدرن مثبت‌تر و با روحیه افراد سازگارترند، دچار تغییر و تحولاتی شده است (شوبها، ۲۰۰۶، ۱۰). همه این تغییرات در نهاد خانواده تا قرن بیستم به کندی صورت می‌گرفت؛ اما از قرن بیستم به بعد و با دوران صنعتی شدن، حاکمیت سرمایه و ماشین بر همه عرصه‌ها، سرعت این تغییرات افزایش یافته



است و به‌ویژه پدیده مهم ورود زنان به بازار کار و خالی شدن خانه‌ها از حضور مادرانی متعهد، مدیر و مهربان به این تغییرات دامن زد. اشتغال زنان خانواده‌ها را به سمت کوچک شدن سوق داد و اشکال دیگری از خانواده ظهور کرد، نظیر خانواده‌های تک‌والدی، خانواده‌های تک‌نفره، زندگی با هم‌جنس و ... در هم ریختن ساختار خانواده فرایندی بود که بنیان مادری و پدری را در هم ریخت و نقش هر یک را به خارج از خانه راند و فرصت‌های ایفای نقش مادری و همسری را آن‌گونه که خانواده بدان نیازمند بود از زنان گرفت. واگذاری نقش‌ها به خانواده را از موهباتی محروم کرده است، از جمله محرومیت خانواده از حراست و مدیریت دقیق مادران که از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مدیریت‌ها است؛ زیرا مادری در واقع مدیریت نسل‌های انسانی است و هرگونه آسیبی به این مدیریت، ضربه‌ای اساسی به بشریت وارد می‌آورد (سخایی و حسینی مجرد، ۱۳۹۰، ۲۲۰).

## ۱۲. افزایش مهد کودک‌ها

موضوع مهد کودک از دیگر ابزارها و امکاناتی است که جهانی‌شدن فراروی زنان قرار داده است. جهانی‌شدن به‌منظور اولویت‌بخشی به مسئولیت‌های اجتماعی زنان و رهانیدن آنان از قید مادری طرح مهدکودک رایگان را ارائه داد، تا دیگر نیازی به خانواده طبیعی نباشد (گاردنر، ۱۳۸۶، ۱۰۹). البته مهدکودک خوب به میزان چند ساعت، نه تنها ضرری به کودک نمی‌زند، بلکه می‌توان گفت به بعضی مادرها هم ترجیح دارد؛ اما مهدکودک‌های طولانی مدت، رابطه مادر و

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال اول  
پیش‌شماره دوم  
زمستان ۱۳۹۱



کودک را تغییر می‌دهد و فراگیر شدن آن می‌تواند ساختار جامعه را به طرز خطرناکی تغییر دهد.

### ۱۳. جنبش فمینیسم

فمینیست‌ها این انتظار اجتماعی را که زنان به عنوان بخشی از نقش‌های اجتماعی خود به عنوان همسر و مادر باید تسلیم نیازهای شوهران و فرزندان باشند، مردود شمردند. هواداران فعال فمینیست مانند تی. گریس اتکینسون ازدواج را بردگی، تجاوز قانونی و کارگری بی‌مزد خواندند و عشق ناهمجنس‌خواه را با عبارت «نزدیک به معنای وابستگی» محکوم کردند. خط فکر فراگیرتر جنبش زنان، انتقادی قوی‌تر بر این عقیده که بچه‌داری و کار خانگی در رأس مهارت‌های زنان یا تنها وسیله‌های کار آنهاست، وارد می‌کردند (میتز و کلوگ، بی‌نا، ۷).

به‌طور خلاصه بحث‌های فمینیستی در مورد مادری با یک نوع تضاد و دوگانگی روبه‌روست، تا آنجا که موجب چندگانگی بین فمینیست‌ها شده است. فمینیست‌های تندرو با تحقیر نهاد خانواده ارزش مادری را حاشیه‌ای و غیر مهم تلقی کرده و با تأکید بر تساوی میان زنان و مردان، بدون در نظر گرفتن جنسیت، زحمات و اهمیت کار زنان را در دوران حاملگی، به دنیا آوردن فرزند، شیر دادن و پرورش نسل بعد نادیده می‌گیرند. تندروهای سنتی با تأکید بر نقش‌های مادری و خانه‌داری از زنان می‌خواهند که در خانه بمانند و بچه‌داری کنند (براکراس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).



جمع‌بندی

نوشتار حاضر با نگاه نقادانه به روند جهانی شدن در حوزه مادری و با مرور سه بعد از ابعاد این روند (موقعیت ساختاری، بعد فرهنگی و سیاسی) و عناصر هر یک از این ابعاد، ارتباط آنان بر تغییرات نقش مادری در جهان را مورد واکاوی قرار داده است.

جهانی‌شدن یا دهکده جهانی از تعبیری است که امروزه بسیار به‌کار می‌رود. اینکه این مفهوم از کی و چگونه آغاز شد آن قدر اهمیت ندارد، اما آنچه بسیار اهمیت دارد اهداف پیدا و پنهان این طرح و انجام آن است. جهانی‌شدن در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... تأثیرگذار است. عرصه خانواده و نقش مادری نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به روش‌های مختلف تحت تأثیر آثار سوء جهانی‌شدن قرار گرفته است. از آنجا که روند جهانی‌شدن به‌ویژه در حوزه فرهنگی به سوی همگانی شدن می‌رود موج بحران‌هایی که در حوزه خانواده، جامعه و نقش مادری زنان کشورهای غربی که محل نشر افکار جهانی هستند، منحصر به این جوامع نیست و به کشورهای دیگر نیز منتقل می‌شود. یکی از اهداف پنهان و منفی جهانی‌شدن انتقال بحران به حوزه‌های مختلف است که با توجه به هدف این نوشتار بر حوزه مادری تمرکز نمودیم.

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول

پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



آنچه گذشت گوشه‌ای از مخاطرات نگران‌کننده‌ای بود که آینده بسیاری از ملت‌ها را تهدید خواهد نمود و نشان از بحران قطعی در حوزه خانواده سنتی و امر مادری است. وضع موجود نتیجه جهانی‌شدن و آثار سوء آن است که موجب کجروی‌های اخلاقی و فرهنگی زنان از نقش مادری است. پژوهش حاضر بر سه بعد از ابعاد جهانی‌شدن (بعد ساختاری، فرهنگی و سیاسی) و عناصر هریک و تأثیرشان بر حوزه مادری متمرکز شد. در مجموع به نظر می‌رسد جهانی‌شدن تأثیراتی دوگانه (مثبت و منفی) بر ساختار روابط خانوادگی، تفکیک نقش‌ها و ایفای نقش‌های جنسیتی و نقش پدری و مادری داشته است. جهانی‌شدن جایگاه و موقعیت زنان در خانواده و اجتماع را دگرگون ساخته است. گسترش جنبش‌های فمینیستی فراملی، افزایش ورود زنان به بازار کار، آزادی روابط جنسی و گرفتن حق مشروع برای همجنس‌بازان، افزایش سن ازدواج، وسایل پیشگیری از بارداری و تکنولوژی‌های نوین بارداری و ... از ثمرات جهانی‌شدن برای زنان محسوب می‌شود که ایفای نقش مادری در جوامع را در معرض تهدید قرار داده و زنان را با بحران هویت مواجه ساخته است. در عین حال، با تنوع یافتن عوامل جامعه‌پذیری و به وجود آمدن نوعی آزادی در شکل‌دادن به هویت، در کنار فقدان مدیریت لازم در فرایند شکل‌گیری هویت، جانشینی برای ارزش‌های خانوادگی تضعیف شده ارائه نشده است. در این میان نقش عوامل جبری که خارج از کنترل افراد، مانند رسانه‌ها - که ابزاری جهت رسیدن به اهداف جهانی‌شدن است - در فرایند تکوین هویت نقشی حیاتی ایفا می‌کند و نوعی بی‌اختیاری

جانشین سنت، که در برخی موارد برتر از شیوه‌های مدرن است، می‌شود. در مجموع می‌توان گفت جهانی‌شدن در عین اینکه فرصت‌هایی برای از بین بردن پدرسالاری و شیوه‌های ایفای نقش مدرن‌تر مادری و افزایش حقوق زنان ایجاد کرده است، چالش‌هایی را در زمینه هویت و ساختار خانوادگی و دخالت در شیوه نقش مادری و حتی پدری پیش روی جوامع قرار داده است.

با توجه به نظریه واترز، جهانی‌شدن با دگرگون‌سازی سامانه‌های ارزشی و نقش‌های جنسیتی به روش‌های گوناگون (که در این نوشتار اشاره شد) نقش مادری را با بحران مواجه ساخته است.

در نهایت ذکر این نکته حائز اهمیت بسیار است که دلسردی زنان از ایفای نقش مادری در درون خانواده پیامدها و نتایجی را با خود به ارمغان می‌آورد. از جمله: از خودبیگانگی، از هم‌پاشیدگی خانواده، از میان رفتن سلامت اجتماعی و ...

رفع و دفع بحران مادری راهکارهای خاص خود را می‌طلبد. از آنجا که پژوهش حاضر بحران مادری را در چارچوب جامعه‌شناسانه به بحث کشیده است، به ارائه راه‌حلی چند می‌پردازیم.

مجامع جهانی که حامی حقوق بشر هستند، برای حمایت از بحران مادری لازم است که قوانین و بنیان‌هایی را وضع و همچنین قوانینی که مدافع همجنس خواهی، تجرد و به‌طور کلی مفاهیمی که بنیان مادری را با خطر مواجه می‌سازد، حذف نماید. موضوع مادری به عنوان موضوعی جهانی در مراکز علمی<sup>۵</sup> پژوهشی کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است، لذا لازم است در

فصلنامه  
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

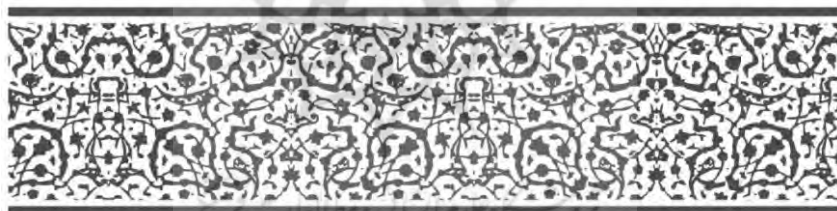
تبلیغ

سال اول  
پیش‌شماره دوم  
زمستان ۱۳۹۱



سطح جهانی طرح‌ها و برنامه‌هایی در نظر گرفته شود و تمامی نیروهای علمی متحد شود تا موضوع مادری در کانون توجه قرار گیرد. همچنین لازم است رسانه‌های جهانی تمامی توان خود را به‌کار گیرند و مادران را متوجه امر خطیر مادری نمایند.


در پایان ذکر این نکته حائز اهمیت فراوان است که از آنجا که جهانی شدن به شکل اجتناب‌ناپذیری در حال گسترش به تمام دنیاست، شناخت این پدیده فراگیر و تأثیرات آن می‌تواند در بهره‌گیری از فرصت‌های مثبت جهت ایفای موفق نقش ارزنده مادری در جوامع بشری و همچنین برخورد مناسب با چالش‌های روبه‌رو راهگشا باشد.



## منابع

۱. اشتری، بهناز؛ *قاجاق زنان، بردگی معاصر*؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
۲. بیتس، دانیل و فرد پلاگ؛ *انسان‌شناسی فرهنگی*؛ برگردان محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۳. تافلر، آلوین؛ *شوک آینده*؛ ترجمه حشمت الله کامرانی؛ ۱۳۸۲.
۴. راندل، ویکی؛ *بازیگران مذهبی فراملی و سیاست بین‌المللی*، دین و جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم؛ ترجمه داود کیانی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
۵. رستگارخالد، امیر؛ *خانواده، کار و جنسیت*؛ تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۳۸۳.
۶. سخایی، مژگان؛ «ریشه‌یابی بحران زنان در غرب با تکیه بر آموزه‌های کتاب مقدس». *مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، شماره پنجاه و سه، ۱۳۹۰.
۷. سیاح، مونس و اکرم حسینی مجرد؛ «بحران مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی»؛ *مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، شماره ۵۳، ۱۳۹۰.
۸. شیروودی، مرتضی؛ «زن و گفتمان سیاسی جهانی‌سازی (رویکرد اسلام و غرب)»؛ *فصلنامه بانوان شیعه*، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۸۴.
۹. شورمن، هارولد؛ «دام جهانی شدن»؛ *ماهنامه سیاحت غرب*، سال اول، شماره ۵، ۱۳۸۲.
۱۰. طاهرخانی، مهدی؛ «آثار جهانی شدن بر زنان»؛ *پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۸۳.
۱۱. عنایت، حلیمه؛ و مجید موحد؛ «زنان و تحول ساختار خانواده در عصر جهانی شدن»؛ *پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۲، ۱۳۸۳.
۱۲. گاردنر، ویلیام؛ *جنگ علیه خانواده*؛ ترجمه معصومه محمدی؛ قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶.
۱۳. مقدس، علی؛ اصغر و بیژن خواجه نوری؛ «جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان (بررسی موردی دو شهر استهبان و شیراز)». *مطالعات زنان*؛ سال ۳، شماره ۷، ۱۳۸۴.
۱۴. میتز، استیون و سوزان کلوگ؛ «جایگاه خانواده در غرب»؛ برگردان مرتضی مداحی، *ماهنامه معرفت*؛ سال شانزدهم، شماره ۵ (پیاپی ۱۱۶)، بی‌تا.
۱۵. یزدی، اقدس؛ «اخلاق مادری در اسلام و فمینیست»؛ *فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه*، قم: سال دهم، شماره سوم، بی‌تا.



- 
16. Braceras, Jennifer C; *Motherhood, Women's Quarterly*; March 22, 2003.
  17. Council of Europe; *Recent Demographic Developments in Europe*; Strasbourg: Council of Europe press, 2001.
  18. De Beauvoir, Simone; *The Second Sex* trans. H. M. Parshley; New York: Alfred A. Knopf, 1953.
  19. Denton, Melinda Lundquist; "Gender and marital decision making: Negotiating religious ideology and practice", *Social Forces* 82(3): 1151-1180, 2007.
  20. Kassian, Mary; *The Feminist Mistake: The Radical Impact of Feminism on Church and Culture*; USA: Crossway Books, 2005.
  21. Kerstin Barndt; *Aesthetics of Crisis: Motherhood, Abortion, and Melodrama in Irmgard*; Keun and Friedrich Wolf, *Women in German Yearbook* 24, 2008.
  22. Mark M. Gray, Miki Caul Kittilson, Wayne Sandholtz. *Women and Globalization: A Study of 180 Countries, 1975-2000*; Forthcoming: International Organization, 2006.
  23. Richard W. Riley. Sharon P. Robinson & Jeanne E. Griffith; *The Educational Progress Of Women*; U.S. Department of Education. Office of Educational Research and Improvement NCES 95-768, 1995.
  24. Shobha Pais; *Globalization And Its Impact On Families*. Vienna, AUSTRIA. Amartya Sen, Foreword, Make Trade Fair, Oxfam 2002, 2006.
  25. [www.maketradefair.com](http://www.maketradefair.com), Waters, M; "Globalization", London: Routledge, 1996.
-